

## نقد و بررسی پدیده چندهمسری با توجه به مفاهیم قرآنی و قاعده لاضرر\*

□ سیده زهرا موسوی\*\*

□ زهرا فهرستی\*\*\*

### چکیده

خانواده یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که کانون ایجاد رابطه‌ای متداوم و توأم با انس و الفت برای زوجین و محل تشکیل شخصیت فردی و اجتماعی کودکان است. پدیده چندهمسری یا تعدد زوجات یکی از معضلات گریبان‌گیر خانواده است که در طول تاریخ به نسبت فرهنگ‌های مختلف، ظهور و بروز متفاوتی داشته است. اسلام از همان ابتدا کوشید تا مبتنی بر دستور قرآن کریم، ضمن تحدید روند افسار گسیخته چندهمسری و حفظ کرامت زن، ترجمان درستی از شرایط تعدد زوجات و کیفیت خانواده ارائه دهد. در حمایت از چندهمسری، از رعایت عدالت سخن بسیار گفته‌اند. مقاله حاضر درصدد معیارسنجی این موضوع در چارچوب سایر قواعد و ضوابط فقهی به ویژه تعلیق آن با مسئله حمایت از دختران و زنان بی‌سرپرست و حاکمیت قاعده لاضرر است. تبیین جایگاه این نهاد فقهی - حقوقی می‌تواند راهکار مناسبی برای رفع بسیاری از معضلات اجتماعی و پاره‌ای از بن‌بست‌های خانوادگی باشد. **کلیدواژه‌ها:** خانواده، حمایت از ایتم، عدالت، چندهمسری، قاعده لاضرر.

\* تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۹/۱۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۱/۱۰.

\*\* دانشجوی دکتری، گروه الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (szmousavi61@gmail.com)

\*\*\* استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (fehrest41@yahoo.com).

## مقدمه

خانواده نخستین نهاد اجتماعی و کوچک‌ترین واحد تشکیل‌دهنده جامعه است، در عین حال مهم‌ترین نهاد جامعه و شکل‌دهنده شخصیت آدمی است. خانواده به گروهی از افراد گفته می‌شود که با یکدیگر از طریق هم‌خونی، تمایلات سببی یا مکان زندگی مشترک، وابستگی دارند. خانواده، هسته اولیه تمام سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی بشری است که همه نقش‌های مرتبط با ایجاد تمدن، انتقال موارث و رشد و شکوفایی انسانی به آن مرتبط می‌شود؛ چرا که همه سنن، عقاید و آداب، از طریق خانواده به نسل‌های جدید منتقل می‌شود.

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴، در تعریف خانواده می‌گوید: «خانواده به گروه دو یا چند نفره‌ای اطلاق می‌شود که با هم زندگی کرده، درآمد مشترکی برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزند خواندگی یا ازدواج با هم نسبت دارند» (نجاریان، ۱۳۷۵: ۱۹). خانواده یک واحد زیستی، اجتماعی و بنیادی در جامعه است که از دو یا چند نفر بزرگ‌سال تشکیل شده است که با هم زندگی می‌کنند و در زمینه مراقبت و تربیت فرزندان با یکدیگر همکاری دارند (Merriam Webster Collegiate dictionary, 2000, 415).

خانواده، کانونی برای ایجاد رابطه‌ای متداوم، مستمر و توأم با انس و الفت برای زن و شوهر است و در آن کودکان، مفاهیم را از طریق لغات و کلمات می‌آموزند و چارچوب‌های شخصیتی، تربیتی، زیستی و حتی حسی ایشان به واسطه همین مفاهیم و لغات شکل گرفته، توسعه یافته و کامل می‌شود.

با این اوصاف، چندهمسری (polygamy) چگونه می‌تواند به تداوم و انس و الفت میان زن و شوهر کمک کرده و منجر به تربیت فرزندان متعادل به لحاظ روحی، روانی، شخصیتی و اجتماعی شود؟ اغلب زنانی که درگیر چنین شرایطی هستند از نظر روانی با چالش‌های جدی مواجه می‌شوند و همین امر سبب می‌شود که نه تنها خود صدمه دیده، بلکه فرزندان‌شان نیز از این مصایب، بی‌نصیب نمی‌مانند. بنابراین یکی از چالش‌های جدیدی‌ای که گریبان‌گیر خانواده و جامعه می‌شود، پدیده چندهمسری و به تعبیر دقیق‌تر پدیده چندزنی است.

این پدیده اجتماعی در ایران معاصر به خصوص از سال ۱۳۶۰ به بعد به دلیل وجود شرایط بحرانی ناشی از جنگ به طور فزاینده‌ای در برخی از مناطق کشور افزایش یافت؛ گرچه حتی پیش از جنگ در برخی از مناطق کشور به عنوان یکی از رسومات جاری فرهنگی به میزان قابل ملاحظه‌ای وجود داشته است؛ مثلاً در شهر زاهدان از میان ۱۵۱۱۰۰ زوج، ۸۶۷۰۰ نفر بیش از یک زن داشته که در این میان ۶۵۴۲۵ نفر واجد دو زن و ۲۱۳۷۴ نفر همزمان سه یا تعداد بیشتری زن اختیار کرده‌اند. تعداد خانواده‌های تک‌همسر در این شهر ۶۳۳۰۱ نفر می‌باشد، بدان معنا که کمتر از نیمی از جامعه یعنی ۴۲/۵ درصد از خانواده‌های موجود در زاهدان، ساختار تک‌همسری داشته و ۵۸/۵ درصد از آنان در خانواده‌های چندهمسری به سر می‌برده‌اند (عرب و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۳). با توجه به آمار ارائه شده، پدیده چندهمسری از جمله معضلات اجتماعی جامعه ایرانی محسوب شده و با توجه به موقعیت ویژه ایران اسلامی در جامعه بین‌المللی و سیر انتقادات و ایراداتی که متوجه جمهوری اسلامی ایران و مذهب اسلام شده، تبیین حدود و ثغور مشروعیت آن ضرورت دوچندان پیدا می‌کند.

### چندهمسری

اصطلاح چندهمسری در مقابل تک‌همسری، واژه‌ای عام است که مشتمل بر چندشوهری و چندزنی بوده و اشاره به وضعیتی دارد که در آن یکی از طرفین به طور همزمان با دو یا چند نفر در ارتباط است.

این اصطلاح از حیث ریشه‌شناسی (اتیمولوژی)، تعدد زوج یا زوجه را مشخص نمی‌کند اما کاربرد تاریخی آن، اغلب به معنای زناشویی مرد با بیش از یک زن است (رمضان نرگسی، ۱۳۸۴: ۱۴۶)؛ نوعی از ازدواج که برای مردان، داشتن بیش از یک زن مجاز باشد.

در عرب قبل از اسلام چندهمسری جزء رسومات جزیره‌العرب به حساب می‌آمد. مردان حق داشتند زنان بسیاری انتخاب کنند و این امر مقید به عدد محدودی نبود بلکه بستگی به میل و رغبت مردان و جاه و مقام آنان داشت (فقهی، ۱۳۸۳: ۱۷۷). تاریخ‌نویسان تأکید کرده‌اند:

تعدد زوجات بدون هیچ قید و شرطی در میان اعراب رواج فراوان داشت و زن متاعی بود که جزء دارایی پدر، شوهر یا پسر به شمار می‌رفت (حکیم‌پور، ۱۳۸۴: ۲۸۲).

مستندات تاریخی حاکی از آن است که در ایران قبل از اسلام نیز تعدد زوجات مسئله‌ای رایج و دایرمدار تمکن و توانایی مرد بوده است. در عصر ساسانی، مردان گذشته از زنان عقدی، زنان غیرعقدی نیز می‌گرفتند؛ همان‌گونه که در کتاب *ایران در زمان ساسانیان* آمده است:

اصل تعدد زوجات اساس تشکیل خانواده در ایران ساسانی به شمار می‌رفت. در عمل، تعداد زنانی که مرد می‌توانست داشته باشد به نسبت توانایی مالی بود. ظاهراً مردان کم‌بضاعت به طور کلی بیش از یک زن نداشتند. یکی از زنان، سوگلی و صاحب حقوق کامل بود و او را زن پادشاهی‌ها یا زن ممتاز می‌خواندند. پایین‌تر از او زنی بود که او را زن خدمتکار می‌نامیدند. حقوق قانونی این دو نوع زوجه مختلف بود (کریستین‌سن، ۱۳۷۷: ۴۳۲).

### تعدد زوجات در اسلام

تعدد زوجات در میان مسلمانان صدر اسلام تاکنون وجود داشته است. عمل و سیره مسلمانان حاکی از مشروعیت آن در اسلام است (طباطبایی، ۱۳۶۴: ۱۶۳/۵). در واقع این رسم که از گذشتگان برجای مانده بود نسخ و فسخ نشد، بلکه محدود و مقید گشت. با نگاهی اجمالی به تاریخچه مسئله تعدد زوجات به خوبی می‌توان چنین استنباط کرد که اسلام از همان ابتدای نزول قرآن کریم کوشیده است تا با توجه به دوران تاریخی و بستر موجود بر افسارگسیختگی چندهمسری لگام بزند و مسلماً اقتضای شرایط دوران نزول، نمی‌توانست شرایطی بهتر از چهار زن باشد، اما آنچه به اعجاز قرآن بیش از پیش می‌افزاید، دوراندیشی موجود در آن است؛ چرا که به نظر می‌رسد کلام خداوند دوران جدید و زندگی پیشرفته انسان‌ها را پیش‌بینی کرده است و این مهم از شرایطی که برای تعدد زوجات قرار داده به خوبی پیداست؛ زیرا اگرچه اسلام تعدد زوجات را مقید و محدود به چهار زن کرد اما از طرف دیگر شرط رعایت عدالت و شروط دیگری را به آن ضمیمه نموده. بنابراین مطابق قوانین جدید اسلام مردان اجازه انتخاب همسران متعدد را نداشتند و به این وسیله با حمایت از زن و بسترسازی برای تحقق عدالت و

جلوگیری از سوء استفاده‌های ناشی از نظام چندهمسری، قواعد اسلامی به این رفتارها سامان بخشید. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (نساء: ۳).

به نظر می‌رسد دلیل اینکه اسلام، چندزنی را به کمتر از چهار زن تقلیل نداده این امر باشد که جنگ‌های صدر اسلام به مصایب مختلفی ختم می‌شد و کانون خانواده‌های بسیاری را از هم متلاشی می‌کرد که بسیاری از زنان بی‌همسر در جامعه را در معرض فقر و فحشا قرار می‌داد. به علاوه نمی‌توان در بستر فرهنگی که چندزنی به شکل نامتناهی رواج دارد به یکباره به دنبال ابداع دستوری چون تک‌همسری بود؛ چرا که شرایع و احکام در بستر عرب جاهلی صادر شده‌اند و هیچ حکمی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن بستر تاریخی آن واجد ارزش و کارایی باشد. فحوای کل سوره نساء و دیگر سوره‌ها حاکی از ارج و قربی است که خداوند در قرآن کریم برای زن قائل است. همچنین از التفات به شیوه زندگی نبی خدا (ﷺ) که تا حضرت خدیجه (ع) در قید حیات بود، زن دیگری اختیار نکرد و نیز شیوه زندگی حضرت علی (ع) که تا حضرت فاطمه (ع) زنده بود، از روش تک‌همسری تبعیت کرد، می‌توان تأویل درستی از معنای عدالت مورد نظر قرآن را به دست آورد. بنابراین سیره عملی زندگی پیامبر (ﷺ) و امام اول شیعیان (ع) حاکی از آن است که چندهمسری اقتضای شرایط خاص و منحصر بر فردی دارد و اصل، تک‌همسری است. وقتی عقل به فحوای آیات نظر کرده و سپس به زندگی نبی خدا و ائمه توجه می‌کند، این حکم را تأسیس می‌کند که مطلوب قرآن تک‌همسری بوده و چندهمسری تنها مطابق با شرایط خاص خود که در ادامه می‌آید تجویز می‌شود.

اسلام نه چندهمسری را ابداع کرده و نه آن را نسخ نموده است، ولی تعدد زوجات را اصلاح کرده است. این اصلاحات از نظر شهید مطهری شامل موارد زیر است:

اولین اصلاح، محدود کردن آن است. قبل از اسلام یک‌نفر به تنهایی می‌توانست صدها زن داشته باشد و از آنها حرمسرای به وجود آورد. ولی اسلام «حداکثر» برای آن تعیین کرد، به

یک نفر اجازه نداد بیش از چهار زن داشته باشد. اصلاح دیگری که اسلام به عمل آورد این بود که عدالت را شرط کرد و اجازه نداد به هیچ وجه تبعیضی میان زنان یا میان فرزندان آنها صورت بگیرد (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۹/۳۵۷ و ۳۵۸).

قرآن کریم در کمال صراحت فرموده: «اگر بیم دارید که عدالت را رعایت نکنید پس به یکی اکتفا کنید» (نساء: ۳)؛ یعنی اگر به خود اطمینان ندارید که با عدالت رفتار کنید پس به یکی بسنده کنید (همان: ۳۵۸).

### تعدد زوجات در فقه امامیه

در این زمینه آرا و نظریات متعددی در میان فقهای امامیه ابراز شده است. رأی مشهور فقهی بر آن است که تعدد زوجات امری مسلم و حقی است که شرط آن رعایت مرز چهار همسری، قدرت بر انفاق و رعایت عدالت بین همسران می باشد. ایشان رعایت عدالت و رفتار یکسان با همسران را در دو امر لازم دانسته اند:

۱. هزینه کردن مطابق با شئون زن و به مقدار متعارف: «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَخُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» (بقره: ۲۳۱). منظور از معروف، مقدار متعارفی است که عقل و نقل آن را بپسندد، یعنی خوراک، پوشاک، مسکن و سهم مخصوص هر یک از همسران خود را به مقدار متعارف پرداخته و چیزی کم نگذارد که متهم باشد (خواجه بمی، ۱۳۹۷: ۸۲).

۲. رعایت قسط و عدل در محدوده حقوق غیرمادی همسران؛ مانند مراعات امور زناشویی و توجه به نیازهای عاطفی آنان. البته مقصود محبت قلبی نیست؛ چرا که رعایت این گونه امور هر چند خواسته جدی انسان باشد باز هم در اختیار او نیست (همان: ۸۲)، بلکه غرض این است که مرد نباید فقط به یکی از زنان گرایش و توجه داشته باشد به گونه ای که زنان دیگر، خود را همچون زن بی شوهر احساس کنند: «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ» (نساء، ۱۲۹).

از روایات پیامبر (ﷺ) و معصومان نیز به دست می آید که مقصود از عدالت، رعایت توازن در قسم و نفقه است (همان: ۸۸). یعنی رعایت عدالت همه جانبه در جنبه های مالی، جنسی و

نقد و بررسی پدیده چندهمسری با توجه به مفاهیم قرآنی و قاعده لاضرر □ ۷

عاطفی؛ زیرا قسم، کنایه از مسائل عاطفی و نیازهای روحی و روانی زن است.<sup>۱</sup> اسلام داشتن «سوگلی» را به هر صورت و به هر شکل جایز نمی‌داند. علمای اسلام تقریباً وحدت نظر دارند که تبعیض میان زنان تحت هیچ عنوانی جایز نیست. پیامبر اکرم (ﷺ) در این مورد می‌فرماید: «هرکس دو زن داشته باشد و در میان آنها به عدالت رفتار نکند در روز قیامت در حالی که یک طرف بدن خود را به زمین می‌کشد محشور خواهد شد تا سرانجام داخل آتش شود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴/۷: ۲۱۴).

گرچه پاره‌ای از محققان بر این عقیده‌اند که چون رعایت عدالت بین زنان متعدد ناممکن است، تعدد زوجات در اسلام، احاله به محال شده است. اینان به آیه ۱۲۹ سوره نساء استناد کرده‌اند که می‌فرماید: «هرگز نمی‌توانید بین زنان به عدالت رفتار کنید هرچند که حقیقتاً طالب آن باشید». مطابق با نص آیه شریفه، طبیعت جنس مذکر عاجز از برقراری اعتدال واقعی در خصوص مهرورزی یا رابطه عاطفی میان دو یا چند زن است. پس به اقتضای همین اصل طبیعی، آنچه به حقیقت و عدالت نزدیک‌تر است اختیار یک زن یا همان تک‌همسری است. روایات متعددی هم محال بودن رعایت عدالت را تأیید نموده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۳۴۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۳۶۳؛ قمی، ۱۴۰۴: ۱/۱۵۵).

حقوق‌دانان با این نظریه مخالفت کرده و اذعان دارند که این تفسیر درست نیست و هیچ‌یک از مفسران بزرگ آن را نگفته‌اند؛ زیرا چگونه ممکن است پروردگار متعال نخست تعدد زوجات را با شرط عدالت تجویز کرده و پس از چند آیه با اعلام اینکه کسی قادر به اجرای عدالت نیست، آن را منع نماید. این شیوه سخن گفتن از مردم عادی هم پسندیده نیست تا چه رسد به خداوند متعال (صفایی، امامی، ۱۳۹۵: ۱۰۵). علاقه و محبت، امری قلبی و نه اختیاری است و اساساً نمی‌توان به چنین عدالت و مساواتی قائل شد. از آنجا که برای مرد ممکن نیست که به طور همزمان بتواند محبت قلبی‌اش را به عدالت و مساوات بین دو زن تقسیم کند، فی نفسه و به خودی خود فحوای آیات و آنچه مقصود قرآن است برای ما روشن خواهد شد که مراد از عدالت، عدالت ظاهری است.

نظریه دیگر در این موضوع توسط بعضی اسلام‌شناسان معاصر مبتنی بر این ایده ابراز شده که علاوه بر عدالت و تمکن مالی، توان جسمی و غریزی نیز از شرایط تعدد زوجات است. مردی که به لحاظ غریزه جنسی نمی‌تواند زنان متعدد را ارضا کند باید به یک همسر بسنده کند (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۹/۳۶۳).

برخی دیگر، کنترل دستگاه قضایی در امر تعدد زوجات را امری ضروری و لازم دانسته‌اند؛ به این معنا که دستگاه قضایی باید این دو شرط را احراز کرده و سپس اجازه ازدواج مجدد صادر کند؛ چنان‌که در حال حاضر قانون کشورهای مثل عراق و سوریه از این نظریه تبعیت می‌کند (مهریزی، ۱۳۸۲: ۴۸۱).

از میان محققان و متفکران اسلامی تئوری‌های دیگری نیز بیان شده است. محمد عبده و پیروانش معتقدند که تعدد زوجات تنها در شرایط ضروری تجویز شده و نمی‌توان در شرایط عادی بدان مبادرت ورزید. مهم‌ترین ادله آنان این است که اولاً: دین برای مصلحت جامعه آمده و می‌خواهد جلوی ضرر را بگیرد، ولی فساد تعدد زوجات بیش از مصلحت آن است. ثانیاً: تعدد زوجات نظم خانوادگی را مخدوش ساخته و سبب عداوت و دشمنی میان فرزندان می‌شود (مهریزی، ۱۳۸۲: ۴۷۷).

چنین استنباطی محصول تفسیر قرآن به قرآن، در صدر نشانیدن نظر و عمل پیامبر و ائمه و معارف بشری است و ابزار چنین اجتهادی، به کارگیری روش‌های استقهای<sup>۲</sup> و استنطاقی<sup>۳</sup> در تفسیر قرآن کریم است. این نحوه برداشت، راه را برای همسو شدن نتایج پژوهش‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی خانواده با معرفت دینی، گشوده نگاه می‌دارد.

علاوه بر استدلال‌های بیان شده، ادعای عبده و متفکران همسو با او الهام گرفته از قاعده لاضرر است. نتایج پژوهش‌های چند دهه اخیر در خصوص خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر نیز مؤید نظر وی در خصوص بروز عداوت و دشمنی میان زنان و فرزندان است. این مطلب نیز بی‌ارتباط با قاعده فقهی نامبرده نیست؛ زیرا از بین رفتن فضای آرام و صمیمی بین افراد خانواده از پیامدهای منفی‌ای است که گریبان‌گیر خانواده‌های چندهمسری می‌شود.



در تأیید این دیدگاه، برخی اندیشمندان در مقام تفسیر و تحلیل آیات مرتبط با تعدد زوجات معتقدند که قرآن کریم درصدد بوده تا رسم ناروای چندزنی بی حد و حصر را که در جامعه عرب آن روز معمول بوده، تعدیل کند و برای این تعدیل سه مرحله را طی کرده است: ابتدا رسم چندهمسری را به چهار زن محدود کرده؛ سپس آیه سوم سوره نساء نازل شده و از شرط عدالت سخن گفته و فرموده: «فإن خفتن ألا تعدلوا فواحدة» و آنگاه از آنجا که رعایت عدالت در تمام مصادیقش ممکن نیست، پس تعدد زوجات جز در موارد اضطرار جایز نیست (مهریزی، ۱۳۸۲: ۴۸۲).

استدلال ایشان بر این منطق استوار است که اسلام هیچ‌گاه خواستار تزلزل بنیان خانواده نبوده است (محمد تقی‌زاده، حمیدی سوها، ۱۳۹۶: ۲۸۰).

در قوانین موضوعه نیز این مهم مورد عنایت قانون‌گذار بوده است. در ماده ۲۱ قانون حمایت از خانواده سال ۹۲ «استواری روابط خانوادگی» مهم‌ترین و مبنایی‌ترین راهبرد جمهوری اسلامی در حوزه خانواده معرفی شده است. همچنین اصل ۱۰ قانون اساسی در تبیین استراتژی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خانواده می‌گوید: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوطه باید در جهت تسهیل تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

### تعدد زوجات؛ راهکار حقوقی انسان‌دوستانه در جهت حمایت از ایتمام

از میان نظرات ارائه شده شاید بهترین و جدیدترین دیدگاه‌ها نگرشی است که می‌کوشد ارتباط تعدد زوجات با مسئله ایتمام را از طریق تحلیل ساختاری و زبانی آیه مربوطه تبیین کند. آیه ۳ سوره نساء که اصلی‌ترین مستند قرآنی چندهمسری است، در قالب جمله شرطیه بیان شده است. جملات شرطیه از دو قسمت شرط و جزا یا مقدم و تالی تشکیل شده‌اند که وابستگی تام حکم در جزا را به شرط برسانند. در آیه مزبور، جمله اول (مقدم)، مربوط به

خوف از ستم بر یتیمان و تالی آن ارائه راهکار برای حل آن در قالب چندهمسری است. فحوای قرآن با ظلم به یتیمان و حیف و میل اموال و حقوق ایشان که در جاهلیت مرسوم بوده، تعاند دارد و بر این اساس، سر باز زدن از سرپرستی و رسیدگی به خانواده‌های ایتم محذوریت یافت. بنابراین گرچه جمله اول آیه مسلمانان را نهی کرده، اما تالی آن راهکار چندهمسری را ارائه کرده است. اسلام در چنین شرایطی چندهمسری را راهکار دائمی، مستمر و دلسوزانه برای برطرف نمودن اغلب نیازهای کودکان یتیم و زنان بیوه از زوایای مادی، عاطفی و تربیتی می‌داند و مبتنی بر همین هدف به مادران ایتم توصیه می‌کند تا برای مراقبت هرچه بهتر از خود و فرزندانشان، مجدداً ازدواج کنند. از سوی دیگر قرآن کریم در مقام نهی، مردان را از نزدیک شدن به مال یتیم و اسراف آن بر حذر داشته و در مقام معروف به مردان واجد شرایط، پیشنهاد ازدواج با دختران یتیم یا مادران ایشان که بی‌سرپرست بوده و نیازمند به مراقبت هستند را عرضه می‌دارد. در شأن نزول این آیه شریفه، منقول است که قبل از اسلام بسیاری از مردان حجاز، دختران یتیم را به بهانه تکفل و سرپرستی به خانه خود برده و با وضع مهریه‌ای بسیار ناچیز با آنها ازدواج کرده و اموال ایشان را تصرف می‌کردند. سپس بی‌آنکه از جانب کسی یا جایی، دچار محدودیت و مؤاخذه شوند، آنها را رها کرده و به صورت بدی با ایشان رفتار می‌کردند. در این هنگام آیه نازل گردید که سرپرستان ایتم در صورت ازدواج با دختران یتیم باید عدالت را به طور کامل رعایت نمایند، وگرنه باید از ازدواج با آنها چشم‌پوشی کرده و همسران خود را از زنان دیگر انتخاب کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۳/۳۲۳). بسیاری از مفسران شأن نزول مشابهی ذکر کرده‌اند (کاشانی، ۱۳۴۴: ۴۲۸؛ ابو الفتح رازی، ۱۳۷۴: ۲۳۲).

باید خاطر نشان ساخت که منظور از واژه یتیم در آیه شریفه، کودکی است که پدر مرده باشد یا کسی که سرپرستی ندارد (قرشی، ۱۳۷۶: ۷/۲۵۹؛ بندریگی، ۱۳۷۵: ۶۹۹).

از ظاهر آیه شریفه که در قالب جمله شرطیه بیان شده به دست می‌آید که جمله دوم (حکم جواز تعدد زوجات)، ارتباط تام و تمامی با مسئله یتیمان و حمایت از افراد بی‌سرپرست دارد. در نتیجه این‌گونه استنباط می‌شود که انگیزه اصلی از تأسیس نهاد شرعی - حقوقی تعدد

زوجات، سرپرستی از کودکان و زنان بی سرپرست بوده و تنها به این انگیزه می توان به این عمل مبادرت ورزید. نتیجه چنین استنباطی بسته شدن باب هرگونه شهوت رانی، تنوع طلبی و یا بلهوسی افراد سودجو خواهد بود و در مقابل راهی برای حمایت از دختران یتیم و زنان بی سرپرست در جامعه گشوده می شود.

مطابق با چنین تحلیل ساختارگرایانه ای از ظاهر آیه شریفه - به عنوان مهم ترین دلیل فقهی - شأن و جایگاه خانوادگی و عاطفی همسر اول نیز محفوظ می ماند. همچنین ارتباط مسئله تعدد زوجات با یتیمان با چنین تفسیری از آیه قابل فهم می شود.

مبتنی بر دیدگاه اخیر، محدودیت مردان در گرفتن چهار همسر می تواند از این جهت موجه باشد که مردانی که به انگیزه های انسان دوستانه خواستار به عهده گرفتن سرپرستی ایتم هستند به طور طبیعی قدرت و انرژی محدودی داشته و بیش از این نمی توانند از عهده چنین وظیفه سنگینی به نحوه مطلوب برآیند.

در قرن حاضر، قالب خانواده ها بر اساس تک همسری شکل می گیرند که حاصل عوامل متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. قانون تک همسری در دوران حکومت پهلوی ها تقویت شد. صرف نظر از سایر عوامل، دو عامل مهم در تغییر هیأت خانواده های قدیم به خانواده های تک همسری جدید نقش بسزایی داشته است: ۱. ورود مدرنیته به ایران و تشکیل خانواده های هسته ای؛ ۲. نگاه مذموم به این پدیده اجتماعی به عنوان ابتدال اخلاقی و شهوت پرستی مردان که خود متأثر از عملکرد نامناسب و سوء استفاده آنان بوده است.

بعد از انقلاب، قانون تعدد زوجات، گرچه یک بار دیگر از سر گرفته شد اما به لحاظ قبح فرهنگی و اجتماعی آن طبق آمارها در جامعه ایرانی، شیوع و گستردگی چندانی ندارد.

از مطالعه سیره عملی زندگی نبی مکرم اسلام (ﷺ) و مولای متقیان (علیه السلام) و همچنین احادیثی که در زمینه ازدواج مجدد برجای مانده می توان چنین استنباط کرد که تعدد زوجات به اندازه اطلاق در دین مبین اسلام حلال است. در تأیید گزاره اخیر می توان به ذکر نمونه ای از فرمایشات پیامبر اسلام (ﷺ) اشاره نمود که می فرماید:

«قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْبِسَارِينَ»؛ کمی خانواده یکی از دو موجب آسایش و راحتی است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۱۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۵۲۲؛ حمیری، ۱۴۱۳: ۱۱۶).

روایات متعدد در زمینه تأکید بر تک همسری، مؤید این ادعا است. اینکه معصومین، امت خود را به تک همسری تشویق می کنند نه تنها حاکی از دشواری رعایت شرایط آن است بلکه متضمن حریم قدسی و حرمت والای روابط زناشویی میان طرفین است. با وجود این که اسلام چند همسری را در شرایطی مجاز شمرده، و معصومین تشویق به تک همسری کرده اند، نشانه آن است که رعایت شرایط ازدواج مجدد مانند ایجاد توازن، عدم تبعیض و ظلم به همسران در همه ابعاد مالی و غیر مالی، رعایت حال همسر یتیم، رعایت احساسات و عواطف همسر اول، حفظ شأن و جایگاه او، مراقبت از تعارضات احتمالی میان کودکان و در یک جمله عدم آسیب به خانواده ها و جامعه، امری پیچیده و به غایت مشکل است.

### محدودیت تعدد زوجات در قوانین موضوعه

تعدد زوجات در قوانین کشورهای غربی، امری ممنوع و برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه است. این امر در کشورهای مسیحی برگرفته از تأکید عهد جدید بر تک همسری است. در خصوص حقوق ایران به پیروی از فقه اسلامی، تعدد زوجات چنان که از حد مقرر تجاوز نکند و شرط عدالت رعایت شود پذیرفته شده است. هر چند که نباید از این نکته غافل ماند که قانون گذار جدید آن را بیش از پیش محدود کرده است (صفایی و امامی، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

قانون اساسی ایران مجموعه قوانینی در حوزه خانواده برای تنظیم زندگی زناشویی، عرضه کرده است. در اصل ۱۰ تأکید شده که همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

برابر اصل ۲۱ دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی

نقد و بررسی پدیده چندهمسری با توجه به مفاهیم قرآنی و قاعده لاضرر □ ۱۳

تضمین نماید و زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او را فراهم نماید.

به موجب ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ که همچنان به قوت و اعتبار خود باقی است، علاوه بر شرایط مذکور در فقه برای اقدام به ازدواج مجدد - مثل یعنی برخورداری از امکان مالی و اجرای عدالت - قانون‌گذار برای ازدواج مجدد، محدودیت‌های دیگری را در نه مورد ابداع و اعلام کرده است.

برابر این ماده، مرد نمی‌تواند با داشتن زن، همسر دوم اختیار نماید مگر در موارد ذیل:

۱. رضایت همسر اول؛
۲. عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی؛
۳. عدم تمکین زن از شوهر؛
۴. ابتلای زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۸؛
۵. محکومیت زن به پنج سال حبس قطعی ... برابر بند ۸ ماده ۸؛
۶. ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸؛
۷. ترک زندگی خانوادگی از طرف زن؛
۸. عقیم بودن زن؛
۹. غایب یا مفقودالاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸.

با وجود نگاه حمایت‌گرایانه قانون‌گذار به حقوق زنان، سؤال اساسی آن است که اصول و اهداف مورد نظر قانون‌گذار در خانواده‌های چندهمسری چگونه قابل اجراست؟ آیا برای تخلف از آنان ضمانت اجرایی مشخصی در نظر گرفته شده یا استلزامی به جز وجدان برای رعایت و تحقق آنها وجود ندارد؟

### تحلیل روان‌شناختی پدیده چندهمسری

باید اذعان داشت که تک‌همسری طبیعی‌ترین نوع زندگی زناشویی بوده و شکل‌های دیگر آن

غیرفراگیر است. در کشور ایران، پدیده چندزنی رقم چندانی ندارد، اما این سبک زندگی در حال توسعه و گسترش است. به علاوه، مبحثی چالش برانگیز چند دهه اخیر در ایران است. عمده‌ترین نقدی بر این پدیده وارد می‌شود این ادعا است که چندزنی زائیده فزون‌خواهی جنسی مردان و تمایل به مردسالاری، سلطه و استبداد بر زنان است و منجر به نابرابری و پایمال کردن حقوق زنان می‌شود.

اگر روابط زناشویی منحصر به امور مادی و جسمانی یعنی تماس‌های بدنی و حمایت‌های مالی باشد، تعدد زوجات قابل توجیه خواهد بود، از آن جهت که امور مادی و جسمانی، قابل تقسیم میان افراد متعدد است. در حالی که در روابط زناشویی، عشق، عاطفه و احساسات است. کانون ازدواج و نقطه پیوند دو طرف به یکدیگر دل است؛ عشق و احساسات مانند هر امر روحی دیگر قابل تجزیه و تقسیم نیست؛ یعنی نمی‌توان آنها را میان افراد متعدد سرشکن و جیره‌بندی کرد (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۹/۳۴۹).

نتایج حاصل از تحلیل‌های روان‌شناختی حاکی از آن است که پدیده چندهمسری منجر به تزلزل ساختار خانواده‌ها و تخریب فضای روانی - عاطفی خانواده می‌گردد. این امر آثار منفی جبران‌ناپذیری بر اعضای خانواده به خصوص پدر و مادر گذاشته و منجر به برهم خوردن تعادل روانی و ناسازگاری زناشویی می‌شود به طوری که رضایت‌مندی از زندگی از حد مطلوب آن خارج گردیده و مبدل به وضعیتی بحرانی و ناهنجار می‌شود (عرب و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۳).

پژوهش‌های صورت گرفته در مورد خانواده‌های چندهمسری از جمله مطالعه استفانی تحت عنوان «بررسی میزان زناشویی در خانواده‌های شهر ابوظبی امارات متحده عربی» نشان می‌دهد که رضایت‌مندی در این خانواده‌ها کمتر از خانواده‌های تک‌همسر است. اگرچه میزان رضایت با تزاید فرزندان ذکور خانواده افزایش می‌یابد اما کشمکش بین همسران در یک خانواده چندهمسر به مراتب افزایش می‌یابد؛ چرا که داشتن فرزند پسر به عنوان شاخصی با ارزش، مقدمات کشمکش، رقابت و حسادت را در روابط خانوادگی فراهم می‌کند (عرب و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۴). نتایج مطالعات الشربینی حاکی از آن است که میزان افسردگی، اضطراب

و بیماری‌های جسمی مثل فشار خون و سردردهای میگرنی در زنان خانواده‌های چندهمسر بیشتر از زنان دیگر است (الشربینی، ۲۰۰۵).

نتایج پژوهش دیگری در مورد سلامت روان والدین در خانواده‌های چندهمسری و تک‌همسری نشان می‌دهد که زنان خانواده‌های چندهمسر به میزان بالایی از سلامت روانی کمتری نسبت به شوهران‌شان و همچنین نسبت به زنان و مردان خانواده‌های تک‌همسر برخوردارند (مجاهد و بیرشک، ۱۳۸۲: ۶۱). نکته جالب توجه آن است که این پژوهش نشان داد که مردان در خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر به لحاظ سلامت روانی تفاوت چندانی نسبت به یکدیگر ندارند در حالی که همین نتایج نمایانگر این نکته معنادار بود که سلامت روانی زنان در خانواده‌های چندهمسر به مراتب کمتر و پایین‌تر از سلامت روانی زنانی است که از خانواده‌ای تک‌همسر بهره‌مند هستند (همان: ۸۴).

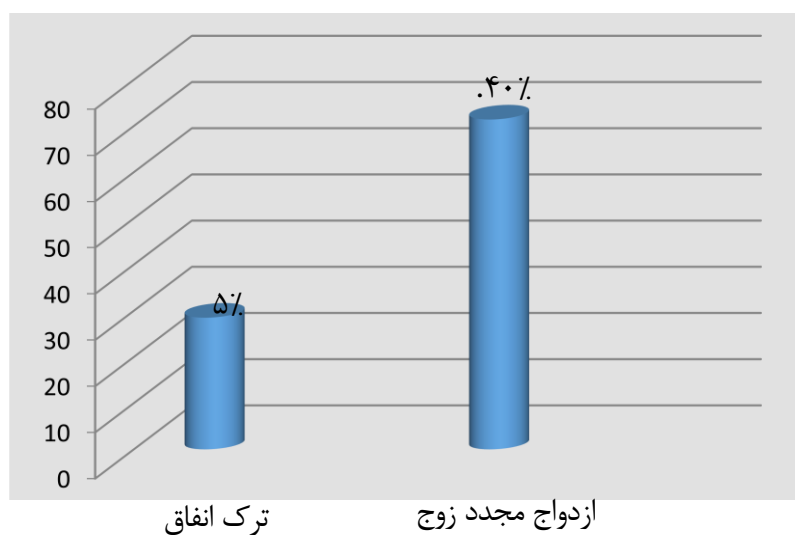
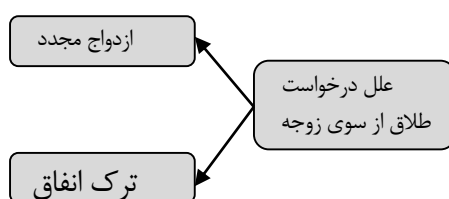
شهید مطهری در آسیب‌شناسی چندهمسری چنین نوشته است:

اکثر مردانی که از تعدد زوجات خشنودند کسانی هستند که عملاً از زیر بار مسئولیت‌های شرعی و اخلاقی این امر شانه خالی می‌کنند. زنی را مورد توجه قرار داده و زن دیگر را از حساب خارج می‌کنند و به تعبیر قرآن کریم او را «کالمعلقه» رها می‌کنند. آنچه این‌گونه افراد نام تعدد زوجات به آن می‌نهند در واقع نوعی تک‌همسری، توأم با ستمکاری و جنایت و بیدادگری است (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۹/۳۴۷).

وی معتقد است که قطعاً برای زنان در بیشتر موارد تحمل زن دیگر کاری دشوار خواهد بود؛ زیرا همسر اول احساس می‌کند از تأمین خواسته‌های همسر خود ناتوان بوده و ناگاه احساس تحقیر به او دست می‌دهد و این امر به حسادت و دشمنی ختم خواهد شد (همان: ۳۵۰ - ۳۵۱). بنابراین نهاد خانواده درگیر دورویی و دشمنی شده و این امر تأثیرات نامناسب تربیتی بر فرزندان خواهد گذاشت.

بسیاری از مردانی که ازدواج‌های متعدد داشته‌اند از شرایط چندهمسری آگاهی نداشته‌اند و از نتایج سوئی که در انتظار خانواده آنان است بی‌خبر بوده‌اند. در تأیید این نتیجه‌گیری به بررسی‌هایی که توسط محمد تقی‌زاده و حمیدی‌سوها انجام شده به مثابه مستندات میدانی

پژوهش، اشاره می‌شود. در این اثر پژوهشی، سؤالاتی مطرح شده که در راستای موضوع مقاله حاضر بوده و به همین جهت قابل استناد است. برای نمونه می‌توان به نموداری اشاره کرد که به بررسی پرونده‌هایی پرداخته که زوجه دادخواست طلاق داده است. براساس نمودار مربوطه در بیشتر از دو سوم موارد، علت درخواست طلاق از جانب زنان، ازدواج مجدد مرد است که آماری قابل توجه است.

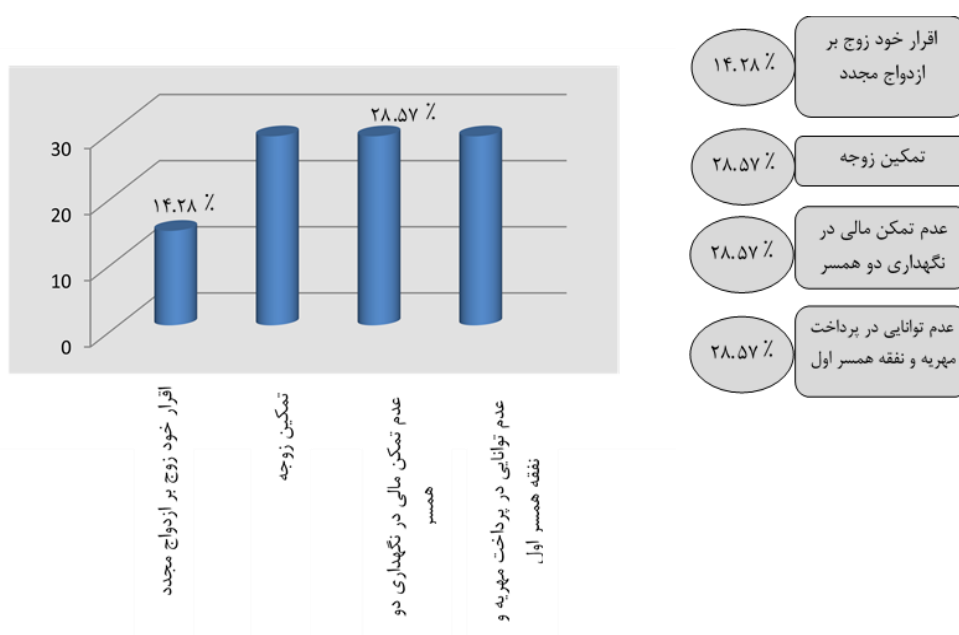


نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در میان دلایلی که زنان برخاسته خود مطرح کرده‌اند، سوء رفتار زوج و ازدواج مجدد او در ۷۱/۴۰ درصد پرونده‌ها مورد ادعا قرار گرفته و ترک نفقه از طرف شوهر پس از ازدواج مجدد فقط ۲۸/۵۰ درصد پرونده‌ها را تشکیل می‌دهد (تقی‌زاده و حمیدی‌سوها، ۱۳۹۶: ۲۸۱).



این ارقام و آمار نشانه آن است که تعلیق زن به لحاظ ترک انفاق در واقع از اهمیت بسیار کمتری نسبت به تعلیق او به لحاظ عاطفی دارد. بدان معنا که مهم‌ترین عاملی که منجر به از هم پاشیدگی و اضمحلال خانواده اول در اکثریت قریب به اتفاق موارد می‌شود، ضربه عاطفی‌ای است که متوجه همسر اول می‌شود. به همین دلیل دادگاه‌ها در ۸۰ درصد موارد، با طلاق زوجه اول به دلیل عسر و حرج ناشی از ازدواج مجدد، موافقت می‌کنند (همان: ۲۸۱). تجدید فراش، منجر به حس تناقض در همسر اول خواهد شد و در صورتی که وی خود را فردی کامل قلمداد کند در قبال اقدام همسرش واکنش نشان می‌دهد. در چنین وضعیتی کانون زندگی خانوادگی دچار تشتت می‌شود.

نمودار دوم گویای یکی دیگر از چالش‌های تعدد زوجات است. این نمودار به بررسی مستنداتی می‌پردازد که درخواست زوج برای ازدواج مجدد، رد شده است. این مستندات طبق نمودار به شرح زیر می‌باشد:



همان گونه که مشاهده می شود در یک سوم (۵۷/۲۸ درصد) مردان متقاضی، توانایی مالی و اقتصادی مناسب برای ازدواج مجدد را ندارند.

به واسطه گسترش مدرنیته و با افزایش مدرنیزاسیون در ایران امروز نیازها و سطح آنان رو به تزاید نهاده است. بنابراین چنانچه مردی برای تأمین مالی همسر یا همسران بعدی اقدام به تقلیل نفقه همسر اول و فرزندانش کند و همچون گذشته قادر به تأمین خانواده اولش نباشد، فضای خانواده را متشنج می شود و حتی ممکن است منجر به فروپاشی آن شود و در شرایطی امنیت روانی از همسر اول سلب می شود.

### گسترده‌گی کارکرد قاعده لاضرر در سیستم حقوقی اسلام و ایران

قاعده لاضرر در مقام یکی از اساسی ترین و بنیادی ترین قواعد فقه امامیه و قوانین موضوعه در ایران شناخته می شود و دارای چنان اهمیتی است که در اغلب ابواب فقهی - خواه در مباحث مربوط به عبادات یا معاملات - و همچنین در جای جای قوانین مصوب ایران مورد استفاده و استناد قرار گرفته است.

قاعده لاضرر یکی از قواعد مسلم فقهی است که پشتوانه های محکم قرآنی دارد. آیاتی از قرآن که در آن واژه ضرر و مشتقات آن به کار رفته احکامی را تأسیس کرده که حاوی معنایی عام بوده و نفی ضرر را به مثابه یک قاعده عام بیان کرده است. برای نمونه می توان به آیات ۲۲۳ و ۲۸۲ سوره بقره و آیه ۱۲ سوره نساء اشاره کرد.<sup>۴</sup>

با این حال مهم ترین دلیل برای نفی ضرر، منبع چهارم فقه یعنی عقل است. در واقع باید گفت که مدلول این قاعده جز مستقلات عقلیه است که عقل بدون حکم شرع، به آنها نائل می شود. عقل هر عاقلی، حکم به عدم اضرار غیر می کند (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۱/۱۳۱).

قاعده لاضرر از جمله قواعد فقهی حاکمه است که از لحاظ قدرت و سیطره محتوایی اثر قواعد و احکام اولیه را از بین می برد و به همین دلیل آن را حاکمه می نامند (اسعدی، ۱۳۹۱: ۱۸). اساساً قواعد حاکمه، قادرند حدود اجرای احکام اولیه را توسعه بخشیده یا محدود نمایند.

شان این قاعده نیز چنان است که بر حکم اولیه تعدد زوجات حکومت داشته و قادر به تحدید اعتبار و مشروعیت آن تا زمان آسیب‌زا نبودن برای خانواده یا جامعه است.

فقها در بررسی تحلیل محتوایی واژگان به کار رفته در متن این قاعده، به گستردگی معنایی واژه ضرر توجه کرده‌اند. ایشان در تعریف ضرر گفته‌اند: «فقد کل ما نجد و ننتفع به من مواهب الحیات من نفس او مال او عرض او غیر عرض او غیر ذالک». ضرر به معنای فقدان و از دست دادن هر یک از مواهب زندگی اعم از جان، مال، حیثیت و هر چیز دیگری است که از آن بهره‌مند می‌شویم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۱/۵۵). تعبیر «مواهب» هم در جنبه‌های زندگی فردی و هم در جنبه‌های اجتماعی زندگی قابل تصور است.

در موضوع بحث، مهم‌ترین موهبت زندگی که هدف اصلی از ازدواج را نیز در برمی‌گیرد بحث «لتسکنوا الیها» یعنی رسیدن به آرامش است. آرامش موهبتی است که در سایه ازدواج برای زوجین حاصل می‌شود. حال در صورت ازدواج مجدد اگر قرار باشد آرامش در خانواده از بین برود این خود با هدف اصلی ازدواج در تعارض قرار می‌گیرد. از زاویه‌ای دیگر موجب ضرر می‌شود چرا که یکی از مواهب مهم زندگی (احساس آرامش) را از بین می‌برد. لذا قاعده لاضرر با توجه به ویژگی حاکمه بودنش و قدرتی که دارد می‌تواند حکم جواز را محدود کند. گرچه در غالب مصادیق و مجاری قاعده، از آسیب‌های مالی یا جانی سخن به میان آمده، اما محتوای معنایی آن گسترده است و در همه جنبه‌ها جریان دارد. لذا برای تحقق ضرر همواره لازم نیست ضرر عینی ملموس یا زیان مالی را تصور کرد. از دست دادن مواهب غیرمالی مانند آرامش، آبرو و امنیت نیز مصادیقی از ضرر هستند.

به علاوه واژه ضرار که در کنار ضرر آمده در معنای حرج، تضییق و سختی نیز استعمال شده است. از کنار هم قرار دادن دو واژه ضرر و ضرار که به معنای حرج و سختی است، می‌توان به این مهم رهنمون شد که در ازدواج مجدد با فرض توانایی مناسب مالی مرد، مدیریت دو یا چند خانواده، رسیدگی به نیازهای عاطفی و روانی زنان و فرزندان، برآورده کردن نیازهای آموزشی، تربیتی و... کار بسیار دشواری است که

بر اساس این قاعده و قاعده نفی عسر و حرج نفی گردیده است. علاوه بر لغت‌شناسی و واژه‌شناسی صورت پذیرفته در این قاعده، مضمون ترکیبی جمله وارده از پیامبر (P) نیز مورد تحلیل فقهی قرار گرفته و نظرات مختلفی در مورد آن ابراز شده است که منتج به آثار حقوقی جالبی در موضوع حاضر می‌شود. یکی از آنها دیدگاه مربوط به امام راحل علیه السلام است (خمینی، ۱۴۱۰: ۱/۵۵).

از نظر امام خمینی این گزاره بر مبنای یک حکم حکومتی از پیامبر صادر شده است. با این توضیح که چنانچه حاکم ببیند یک عمل آسیب‌هایی به جامعه اسلامی و یا فردی از آحاد جامعه وارد می‌کند، می‌تواند به استناد مضر بودن آن، حکم حکومتی بر اساس مصلحت مورد نظر خود صادر نماید؛ بنابراین قادر است احکام اولیه پیشین را محدود نماید. همان‌طور که پیامبر (P) حکم مالکیت سمره را ملغی کرده و احترام مال وی را نادیده گرفت و دستور داد تا درخت را از زمین بیرون آورند.

در شرایط کنونی جامعه ایرانی نیز اگر حاکم شرع صلاح بداند و به این نتیجه برسد که در ابعاد داخلی با رواج تعدد زوجات، خانواده‌ها متلاشی شده یا در معرض تنش قرار می‌گیرند و در ابعاد بین‌المللی کشور مسلمان و شیعی ایران، جایگاه خود را در جامعه بین‌المللی از دست داده و موجبات وهن اسلام و کینه‌توزی دشمنان و اسلام‌گریزی فراهم می‌شود می‌تواند حکم مقتضی را صادر نماید، چنان‌که در مورد برخی مجازات‌ها، چنین صلاح‌حدیدیه به وقوع پیوسته است.

### سابقه قاعده لاضرر در قوانین موضوعه در حوزه خانواده

استناد به این قاعده در تاریخ قانون‌گذاری کشور ایران امری جدید نیست. با توجه به اهمیت قاعده لاضرر در فقه اسلامی، در تدوین اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز سایر قوانین، در موارد متعددی به این قاعده توجه و استناد شده است. به علاوه در حوزه حقوق خانواده، وجود مواردی نشان از حاکمیت این قاعده در پیشگیری

از آسیب به بنای خانواده و حقوق زنان از گذشته دارد. از آن جمله می‌توان به مواردی اشاره کرد که با الهام از قاعده لاضرر قانون‌گذاری شده است.

۱. **طلاق زوجه غایب مفقود الاثر:** بر اساس ماده ۱۰۲۹ ق.م در صورت غیبت مرد و یا مفقود الاثر بودن او، زن می‌تواند تقاضای طلاق نماید.
  ۲. **استنکاف از پرداخت نفقه:** بر اساس ماده ۱۱۲۹ ق.م: «اگر مرد از دادن نفقه استنکاف کند و امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه وجود نداشته باشد، زن برای طلاق می‌تواند به حاکم رجوع کند».
  ۳. **عسرو حرج زوجه:** برابر ماده ۱۱۳۰ ق.م «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسرو حرج زوجه باشد وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنان که عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید».
  ۴. **امراض مقاربتی:** در ماده ۱۱۲۷ ق.م آمده است: «هرگاه شوهر بعد از عقد مبتلا به یکی از امراض مقاربتی گردد زن حق خواهد داشت که از نزدیکی با او امتناع نماید و امتناع به علت مزبور مانع حق نفقه نخواهد بود».
  ۵. **خوف ضرر در منزل مشترک:** برابر ماده ۱۱۱۵ ق.م قانون‌گذار اعلام کرده: «اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی و یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علیحده اختیار کرده و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد».
  ۶. **وکالت در طلاق:** با توجه به بند ۱۰ از شرایط ضمن عقد در سند ازدواج در صورتی که پس از گذشت پنج سال زوجه از شوهر خود به جهت عقیم بودن و یا عوارض جسمی دیگر زوج، صاحب فرزند نشود می‌تواند از حقی که شوهر به زن داده استفاده کند و از طریق وکالت در طلاق، خود را مطلقه سازد. این حق در راستای قاعده لاضرر به زوجه داده شده تا زوجه از حق مادری محروم نگردد.
- با آنکه قانون‌گذار ایرانی در موارد متعددی به ویژه در حوزه حقوق خانواده از این قاعده

الهام گرفته، با این وجود در مورد تعدد زوجات، قانون مدنی به لزوم رعایت قاعده لاضرر تصریح نکرده و در صورتی که اجازه همسر اول وجود داشته باشد و بحث عدالت رعایت شود به مرد امکان ازدواج مجدد را می دهد.

با استناد به پژوهش های صورت گرفته که به بخشی از آنها اشاره شد، این سؤال مطرح است که آیا لازم نیست قانون گذار حاکمیت قاعده لاضرر در بحث تعدد زوجات را مورد عنایت قرار دهد؟

در بحث آسیب شناسی تعدد زوجات با معضلات پیچیده و مختلفی همچون زیان های مالی، روحی، عاطفی و در نهایت زیان های تربیتی و شخصیتی، در نهاد خانواده مواجه هستیم. تحقیقات ارایه شده نشان داد که در صورت اقدام شوهر به ازدواج مجدد، غالباً زوجه اقدام به طلاق کرده و دادگاه موافقت می کند. در نتیجه باید این نکته مورد تحلیل قرار گیرد که شکل اصیل و حقیقی ازدواج مجدد که بر اغراض و اهداف آیات قرآنی استوار شده باشد در باب عمل چگونه باید باشد؟

چنان که ازدواج دوم بدون در نظر گرفتن دستورهای قرآنی (ازدواج با دختران یتیم یا زنان دارای یتیم) و روایت های اهل بیت به ویژه قاعده لاضرر، صرفاً از روی خودخواهی و شهوت رانی صورت گیرد که بی شک آسیب زا خواهد بود، چه ضمانت اجرایی فقهی و یا قانونی برای آن در نظر گرفته شده است؟

نکته: اسلام که چند همسری را براساس آیه ۳ سوره نساء: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»، مشروط به رعایت عدالت بین همسران کرده است، شرط الزام به رعایت اصل عدالت در مورد همسران، خود بر پایه نفی ضرر استوار است. حال اگر مرد نتواند بین زنان به عدالت رفتار کند با این وضعیت مواجه می شویم:

۱. زن ها از لحاظ امکانات مادی زندگی در شرایط متفاوت قرار می گیرند.
۲. از لحاظ برطرف شدن نیازهای جنسی در محدودیت خواهند بود.
۳. از لحاظ روحی و عاطفی در سردرگمی فرو می روند و احساساتشان جریحه دار می شود.

پس در صورت عدم رعایت اولین و مهم‌ترین شرط ازدواج مجدد، همسران و احتمالاً فرزندان آسیب می‌بینند، در حالی که پیامبر (P) فرمود: «لاضرر و لاضرار فی الاسلام»؛ در دین اسلام نه می‌شود به خود ضرر وارد کرد و نه به دیگران.

در چنین وضعیتی زوجه علی القاعده باید بتواند دست به اقدام قانونی بزند. اگرچه از زن اول کسب اجازه شده اما سؤال این است که اگر بعد از ازدواج دوم، زن دچار مشکلاتی شود آیا راهکار شرعی یا قانونی برای هر کدام از زن اول یا دوم وجود دارد؟

اگرچه قانون مدنی با الهام از نظر مشهور فقهی، این امکان را به زن می‌دهد تا در صورت استتکاف از پرداخت نفقه و یا ناتوانی مالی مرد و عوامل دیگر که موجب عسر و حرج می‌گردد، دادخواستی علیه مرد به دادگاه ارائه دهد، اما آیا قانون نیز در خصوص عدم رعایت عدالت، در مضیقه قرار گرفتن زن در ابعاد عاطفی و روانی ماجرا راهکار مناسبی ارائه داده است؟

آنچه بیان شد در جهت نفی مطلق پدیده چندهمسری نیست بلکه چنانچه تعدد زوجات با شرایط معتبر در آن به ویژه در چارچوب حمایت از ایتم، آن هم بدون آثار منفی و عدم فروپاشی خانواده می‌تواند راه حل مناسبی برای رفع برخی معضلات و مشکلات خانوادگی و اجتماعی باشد.

## نتیجه

چندهمسری در جوامع مختلف در برخی ادیان به اشکال مختلف وجود داشته است. تعدد زوجات در شریعت اسلام تشریح شده ولی برای آن محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است. از نظر مشهور فقها این پدیده اجتماعی، مشروط و محدود به دو امر است: رعایت عدالت و توانایی مالی. با استدلال‌هایی که در متن مقاله ارائه شد به دست می‌آید که این دو، گرچه شروط لازم برای مشروعیت چندهمسری هستند ولی به تنهایی کافی نبوده و ضروری است تا سایر شرایط آن نیز رعایت شود. پژوهش حاضر به دو شرط مهم دیگر در این زمینه یعنی ازدواج به انگیزه حمایت از ایتم و رعایت قاعده لاضرر پرداخته است.

وضعیت ازدواج مجددی که به همسر اول و فرزندان آسیب‌های مادی و غیر مادی وارد می‌سازد، از دیدگاه فقهی نامعلوم است و در قوانین موضوعه نیز این مسئله در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و ضروری است تا درباره آن چاره‌اندیشی فقهی و قانون‌گذاری متناسب با اصول و قواعد شریعت صورت گیرد.

تأکید می‌شود که بین ازدواج مجدد و قاعده لاضرر، تقابل ذاتی وجود ندارد و چنانچه شوهر بتواند همگام با مقاصد شریعت همه معیارها را رعایت کند، این نهاد فقهی - حقوقی می‌تواند راهکاری مناسب برای برخی بن‌بست‌های خانوادگی باشد.



## پی‌نوشت‌ها

۱. قسم آن است که مرد، شب‌های خود را میان همسرانش قسمت کند و نفقه در اصطلاح حقوقی اشاره به تأمین هزینه‌ها و نیازهای مادی دارد (مشکینی اردبیلی، ۱۴۲۸: ۵۴۴).
  ۲. تفسیر استفهامی همان تجزیه آیه به آیه کلام خداوند است.
  ۳. تفسیر استتطافی عبارت است از اینکه مشکل یا مسئله‌ای از مسائل زندگی بشر را به صورت پرسش در مقابل قرآن نهیم و از قرآن پاسخ بخواهیم.
  ۴. در خصوص لاضرر روایات بسیاری وارد شده است که معروف‌ترین حدیث در این مورد مربوط به داستان سمرة بن جندب است که در ذیل آن جمله «لا ضرر و لا ضرار» دیده می‌شود (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۵۵؛ طاهری، ۱۳۸۷: ۸۶).
- بدین شرح که یکی از صحابه پیامبر (ﷺ) در باغی خرمایی داشت که بر آستانه آن باغ منزل یکی از انصار قرار داشت. سمرة بدون اجازه صاحب‌خانه به طرف نخل خود آمد و رفت می‌کرد و این مسئله موجب ناراحتی انصاری شد. روزی به او گفت تویی خبر به منزل ما می‌آیی، بهتر است قبلاً اجازه بگیری. سمرة در پاسخ گفت این راه من است به طرف درختی که دارم و از تو اجازه نمی‌گیرم. شخص انصاری از سمرة نزد پیامبر (ﷺ) شکایت نمود. پیامبر (ﷺ) سمرة را احضار کرد. حضرت رسول (ﷺ) ابتدا تلاش کرد که سمرة را متقاعد کند که از این درخت دست بردارد و پیغمبر (ﷺ) به شکل دیگری آن را جبران کند ولی سمرة نپذیرفت تا اینکه رسول خدا (ﷺ) فرمود: «انک رجل مضار و لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۷/۷) تو مرد ضررزننده‌ای هستی، و در اسلام ضرر و زیان نیست. بعد از آن دستور داد آن درخت را کنند و نزد سمرة انداختند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۵۹/۳).

## کتابنامه

### قرآن کریم

- ابوالفتح رازی، حسین بن علی محمد بن احمد الخزاعی النیشابوری، **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس، ۱۳۷۴.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول**، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
- ابن بابویه، محمد بن علی، **من لا یحضره الفقیه**، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- اسعدی، محمد، **قاعده منع استیلائی کفار بر مسلمانان**، قم، آیین احمد، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- بندرریگی، محمد، **منجد الطلاب**، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
- حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة**، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- حکیم پور، محمد، **حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد**، تهران، نغمه نور اندیش، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، **قرب الإسناد**، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- خواجه بمی، محمدحسین، **عدالت مداری در تعدد زوجات از منظر متون اسلامی**، فصلنامه علمی ترویجی در حوزه اخلاق، ۱۳۹۷.
- خمینی، سید روح الله، **الرسائل**، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۴۱۰ق.
- رمضان نرگسی، رضا، **بازتاب چندهمسری**، فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۳۸۴.
- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله، **مختصر حقوق خانواده**، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵.
- طاهری، حبیب الله، **قواعد فقه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷.
- طباطبایی، سید محمدحسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی و محمدعلی کرامی قمی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۴.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، **مجمع البحرین**، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- طوسی، محمد بن الحسن، **تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)**، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- عرب، سعید و دانشمند، بدرالسادات و پودینه، زهرا و ثامتی، ناهید و میرگل، احمد و باباخانلو، اشرف، **بررسی میزان بهزیستی روان شناختی و سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی بین خانواده های چندهمسری و تک همسری**، فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱۳۹۳.

- فقهی، رسول، زن در اندیشه اسلام، تهران، احسان، ۱۳۸۳.
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
- کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقین فی الزم المخالفین، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ دوم، بی تا.
- کریستین سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، اسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- مجاهد، عزیزالله؛ بیرشک، بهروز، وضعیت رفتاری کودکان و سلاکت روانی والدین در خانواده‌های چندهمسری، مجله اندیشه و رفتار، سال نهم، ۱۳۸۲.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه بخش مدنی، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴.
- محمدتقی زاده، مهدیه، حمید سوها، زهرا، آسیب‌شناسی مسئله تعدد زوجات در حقوق و رویه قضایی ایران، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، ۱۳۹۶.
- محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- مشکینی اردبیلی، علی، مصطلحات الفقه و معظم عناوین الموضوعه، قم، نشر الهادی، ۱۴۲۸ق.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۸۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، همکاران، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهل و یکم، ۱۳۸۴.
- \_\_\_\_\_، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه علی ابن ابی طالب، ۱۳۷۹.
- مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- نجاریان، فرزانه، عوامل موثر در کارآیی خانواده (بررسی ویژگی‌های روان سنجی مقیاس سنجش خانواده)، پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ۱۳۷۵.

AL-Sherbiny, Ahmad (2005), " The Case of first wife in polygamy". Arab pPynet Journal. No8. November.

Merriam – Webster (2000), "Collegiate dictionary", Tehran: Ebteda